



توسعه پایدار ورزش؛ مفاهیم، موانع و راهکارها

زینب مندعلی‌زاده^۱، محمد احسانی^۲، هاشم کوزه‌چیان^۳، حبیب هنری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۹

چکیده

هدف: هدف مقاله حاضر مطالعه مفهوم توسعه پایدار ورزش، موانع و ارائه راهکارهایی برای رسیدن به توسعه پایدار ورزش است.

روش‌شناسی: روش تحقیق حاضر توصیفی و کیفی است. در این راستا، از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با استادان مدیریت ورزشی، مدیران ورزشی، ورزشکاران و مربیان ورزش استفاده شد. تعداد مشارکت‌کنندگان در تحقیق ۱۴ نفر بود. استراتژی نمونه‌گیری موارد حاد بود که در این رابطه از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که رسیدن توسعه پایدار ورزش در راستای توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و عوامل نهادی با هدف مشارکت اجتماعی محقق می‌شود. از دیگر نتایج تحقیق دسته‌بندی موانع پایداری در توسعه ورزش به موانع مدیریتی، ساختاری، محیطی، نگرشی-رفتاری و قانونی-حقوقی بود. راهکارهای توسعه پایدار که توسط صاحب‌نظران مطرح شد عبارت از تدوین برنامه راهبردی متناسب با تغییرات محیطی، تصویب مصوبات برنامه‌ای از طریق نهادهای قانونی و حقوقی از جمله مجلس شورای اسلامی، متناسب ساختن ساختار ورزش با قوانین بین‌المللی و برطرف کردن خلأ قانونی در ورزش از طریق حقوق‌دانان بودند. **نتیجه‌گیری:** توجه مدیران و سیاست‌مداران و مشارکت تمامی نهادها می‌تواند زمینه را برای توسعه اهداف پایداری در توسعه ورزش و اثرات اقتصادی و اجتماعی در جامعه و نهادها فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، موانع، راهکار، ورزش

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. ۲ و ۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ۴. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: z-mondalizade@araku.ac.ir

مقدمه

امروزه ورزش در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی با جوامع پیوند خورده است. ورزش از بعد محیطی می‌تواند در اتحاد ملت‌ها و مردم با نژادهای مختلف در یک کشور مؤثر باشد. به عنوان مثال، رویدادهای ورزشی می‌تواند باعث غرور اجتماعی و ملی شده و به عنوان سمبل قدرت نیز شناخته می‌شود (Schulenkorf, 2012) که نمونه‌ی آن را می‌توان مسابقه جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ بین ایران و آمریکا نام برد (Abrar-e-varzeshi, 2006) که در نتیجه‌ی پیروزی ایران مقابل آمریکا غرور ملی را برای ایرانیان در پی داشت، به‌ویژه آن‌که به ورزش به عنوان اهداف و ابزار سیاسی نیز در کشورها نگاه می‌شود و سیاستمداران نگاه خاصی به ورزش در ابعاد قهرمانی و بین‌المللی دارند، به عنوان مثالی دیگر می‌توان از مسابقه‌ی فوتبال جام جهانی سال ۱۹۵۴، بین آلمان شرقی و غربی نام برد که وسیله‌ای برای صلح و اتحاد دوباره بین آن‌ها شد (Schulenkorf, 2012).

ورزش از بعد اقتصادی می‌تواند نقشی اساسی برای جامعه از جنبه مالی و انسانی داشته باشد، به عنوان مثال برگزاری رویدادهای ورزشی از جنبه مالی عاملی برای پایداری و توسعه جوامع در نظر گرفته شده است (Schulenkorf, 2012). از جنبه انسانی، ورزش منجر به صرفه‌جویی در هزینه‌های بهداشتی و درمانی می‌شود. کشورهای توسعه‌یافته هزینه‌های زیادی را برای ترویج ورزش صرف کرده‌اند، چنان‌که گزارش‌های بین‌المللی نشان‌دهنده‌ی این است که در کشورهای توسعه‌یافته هر یک میلیون دلار هزینه در ورزش و فعالیت‌بدنی، باعث

صرفه‌جویی حدود ۳/۲ میلیون دلار در هزینه‌های درمانی می‌شود (Third International Ministerial Conference on Physical Education and Sport, 1999). هم‌چنین در کشور هلند، ورزش به عنوان وسیله‌ای برای بهبود سلامتی جامعه در نظر گرفته شده است و طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۵ حدود ۷۴/۸ میلیون دلار به ورزش اختصاص داده شد تا به این وسیله، میزان مشارکت افراد در جامعه افزایش یابد. در استرالیا نیز هزینه‌های زیادی برای مشارکت مردم در ورزش، صرف شده است، اما یکی از مشکلات در ورزش استرالیا، ادامه پیدا نکردن برنامه‌های هزینه شده در راستای پایداری سلامتی عنوان شده است؛ بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که برای دستاوردهای حاصل از ورزش و تفریحات سالم، به عنوان محیطی برای بهبود سلامتی، استراتژی جدیدی در نظر گرفته شود که این استراتژی‌ها بتواند توسط سیاستمداران و برنامه‌ریزان استراتژیک در جوامع توسعه‌یافته به کار گرفته شود (Casey, Payne, Eime, & Brown, 2009).

ورزش از بعد اجتماعی می‌تواند باعث افزایش اعتمادبه‌نفس شود. در واقع توسعه ورزش می‌تواند توسعه جامعه و انسجام اجتماعی را در پی داشته باشد (Vail, 2007). به منظور ایجاد انسجام اجتماعی در بخش‌ها و مناطق مختلف، باید میزان مشارکت در جامعه، از طریق مشارکت در ورزش افزایش یابد. به این منظور برنامه‌های هدف‌گذاری شده باید به‌گونه‌ای طراحی شود که متناسب با ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی باشد و بر مشارکت

پایدار از طریق ورزش) در مفهوم عملیاتی، مکمل یکدیگر هستند. این بدان معنی است که اگر ما بخواهیم برای توسعه از طریق ورزش تلاش کنیم لازم است طبیعت و گستره‌ی ورزش و علوم ورزشی (توسعه ورزش) را تقویت کنیم (Maguire, 2011)؛ بنابراین هر جا که صحبت از توسعه ورزش است منظور در نظر گرفتن هر دو مفهوم به‌صورت توأمان است.

به‌طور کلی آنچه در توسعه ورزش مهم است، استمرار و تداوم اجرای برنامه‌های ورزشی و مشارکت پایدار مردم در ورزش است، امری که به صورت نظام‌مند در برنامه‌های ورزشی کشورهای توسعه‌یافته مشاهده می‌شود. در واقع در این کشورها هر جا صحبت از توسعه ورزش و برنامه‌های آن است، منظور در نظر گرفتن تمامی ابعاد به همراه دوام و نهادی شدن برنامه‌های آن است، به‌گونه‌ای که توسعه ورزش در برنامه‌ریزی راهبردی همان توسعه پایدار ورزش است، نمونه‌ای از این برنامه‌ها را می‌توان به برنامه‌های راهبردی توسعه ورزش در انگلستان و اسکاتلند اشاره کرد (Girginov, 2008).

پایداری در توسعه ورزش یا توسعه پایدار ورزش، مفهومی است که توجه روزافزونی را در تحقیقات امروزی به خود معطوف کرده است. اگر بخواهیم توسعه ورزش را از دید پایداری تعریف کنیم، می‌توان گفت که توسعه پایدار ورزش مفهومی است که در آن پایداری موضوعی رایج و محوری در توسعه ورزش محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که تغییرات طولانی‌مدت در نگرش‌های فردی، جامعه و سازمانی، از طریق مشارکت در ورزش را در برمی‌گیرد. به عنوان مثال آموزش برای داوطلبان، عملکرد توسعه باشگاه‌های ورزشی، تشویق مشارکت سازمان‌های مختلف در

داوطلبانه ورزشی به منظور ایجاد شهروندان فعال تأکید کند (Skinner, Zakus & Cowell, 2008). در نتیجه توسعه ورزش می‌تواند نقش اساسی در توسعه جوامع داشته باشد. برنامه‌های تدوین‌شده برای توسعه ورزش در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مرسوم است اما چگونگی اجرا و ارزیابی آن است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در راستای توسعه پایدار جوامع داشته باشد.

معانی که در راستای تعریف توسعه ورزش بیان شده است در بردارنده‌ی واژه‌هایی است که عموماً تنش‌زا بوده است، این واژه‌ها شامل توسعه از طریق ورزش و توسعه ورزش است. توسعه از طریق ورزش بر اهداف اجتماعی و ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه تأکید دارد حال آنکه توسعه ورزش بر ورزش تأکید داشته و به دنبال توسعه‌ی خود ورزش است. این که ورزش به عنوان ابزار مورد استفاده قرار گیرد و یا توسعه‌ی تنها ورزش در نظر گرفته شود به اهداف کشورها برمی‌گردد. به عنوان مثال، در انگلستان سیاست‌های ناشی از پیوستار توسعه ورزش با محوریت نقش ورزش، افزایش بازی در مدارس (سطح اساسی) و ورزش قهرمانی (سطح برتری) مورد تأکید قرار گرفته است، اما واقعیتی که باید در نظر داشت این است که توسعه ورزش در خلأ اتفاق نمی‌افتد، در حقیقت واقعیت اجرایی شدن توسعه ورزش در غالب تغییر وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه است (Houlihan & White, 2003). در واقع هالیهان و وایت نشان دادند که چگونه سیاست‌های توسعه ورزش در عمل به عنوان ابزاری جهت مشارکت اجتماعی، فرهنگی و رفاه برای ملت‌ها در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه این دو واژه (توسعه پایدار ورزش و توسعه

Mallen & Chard, den Heuvel (2013) (2012). به‌رحال در ورزش توسعه پایدار به قابلیت استمرار و تداوم برنامه‌های توسعه ورزش برمی‌گردد و از طرفی این برنامه‌ها در واژه‌هایی از مشارکت برای پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی نیز بیان می‌شود. در نتیجه تلاش‌هایی برای تأکید هم‌زمان بر هر دو جنبه صورت گرفته است (Houlihan & Green, 2011).

تدوین برنامه‌های راهبردی ورزشی در کشور که بدون اجرایی شدن رها شده و توأم با عدم دوام و استمرار بوده از مشکلات پیش روی توسعه پایدار ورزش است که پیامد آن فقدان نهادینه شدن ورزش برای افراد، سازمان‌ها، نهادها و جامعه است؛ بنابراین با توجه به اهمیت توسعه پایدار ورزش در کشور و نیز اهمیت آن در اقتصاد و جامعه و با در نظر گرفتن این‌که تاکنون تحقیقی داخلی با تأکید بر توسعه و پایداری ورزش صورت نگرفته است، این تحقیق بر آن است تا ضمن تعریفی از توسعه پایدار ورزش به این سؤال‌ها پاسخ دهد که موانع توسعه پایدار ورزش چیست و چه راهکارهایی باید برای آن در نظر گرفت.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعات کتابخانه‌ای (بررسی اسناد و مدارک) و مصاحبه‌های عمیق استفاده شد. با توجه به این‌که استادان مدیریت ورزشی و سازمان‌های نهادی مسئول ورزش در کشور به نحوی در پایداری ورزش مشارکت می‌کنند، در مطالعه موانع توسعه پایدار، از این گروه‌ها نظرسنجی به عمل آمد. به‌عبارتی در مرحله کیفی از نمونه‌گیری موارد حاد استفاده شد.

برنامه‌های توسعه ورزش، مشارکت مستمر افراد در بخش‌های مختلف از مهم‌ترین موضوعات پایداری در این بخش معرفی شده است (Lindsey, 2008). در برخی کشورها از قبیل انگلستان منظور از برنامه‌های توسعه‌ای برای ورزش، توسعه پایدار ورزش است، چرا که این برنامه‌ها، توسعه در تمامی ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، محیطی) را در نظر گرفته است. به عنوان مثال، اهدافی مانند عدالت اجتماعی، توسعه جامعه، امنیت اجتماعی، عملکرد برابر، بهبود سلامتی، انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی، توانمندسازی و موفقیت در ورزش، توسعه شغلی، توسعه فردی، توان‌بخشی، تفویض اختیار، خودمختاری، عملکرد اخلاقی، کار گروهی، یادگیری و اجرای توأم، برای ورزش انگلستان در نظر گرفته شده است (Girginov, 2008).

از طرفی مبحث توسعه پایدار با تأکید بر مفهوم توسعه پایدار مبتنی بر نیازهای یکپارچه جهت بهبود رفاه انسانی با تأکید بر کاهش تخریب محیطی نیز در نظر گرفته شده است (Parrish, 2010) که در این رابطه، کلمه‌ی پایداری در توسعه به معنی تعادل بین سلامتی اقتصادی، عدالت اجتماعی و قابلیت انعطاف‌پذیری است که چشم‌اندازی طولانی‌مدت را تدوین می‌کند و فرصت‌هایی را برای راه‌حل‌های برد-برد فراهم می‌آورد (Winn & Kirchgeorg, 2005). این تعریف اساساً مبتنی بر تعریف ارائه‌شده در کمیسیون برتلند بوده که منظور از بعد محیطی، محیط‌زیست است که چنین تعریفی برای توسعه پایدار ورزش کاربردی ندارد، اما تحقیقاتی، با چنین تعریفی در ورزش انجام‌شده است از قبیل تحقیق Salome, Van Bottenburg & Van

یافت. طول مدت مصاحبه‌ها ۹۰-۳۰ دقیقه بود و مصاحبه‌ها توسط دستگاه ضبط دیجیتالی ثبت شد. قبل از مصاحبه با افراد به‌منظور حداکثر مشارکت متخصصان و استادان، نامه‌ای همراه با جزئیات اساسی اهداف مطالعه و سؤال‌ها مرتبط با آن توسط E-mail به مشارکت‌کنندگان ارسال شد و از آن‌ها جهت ملاقات حضوری درخواست شد.

تعیین روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مانند روش‌های پوزیتویستی (اثبات‌گرایی) نیست. به‌منظور افزایش روایی تحقیق این سعی شد تا از مشارکت‌کنندگانی استفاده شود که صاحب‌نظر در امر توسعه ورزش و یا به‌صورت تجربی با این امر (مدیران، مربیان و ورزشکاران) سروکار داشته باشند. به‌منظور حفظ پایایی پاسخگویان با تخصص‌های مرتبط انتخاب شدند و علاوه بر این از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ مصاحبه‌شوندگان در تحقیق به همراه نوع تخصص، مدرک تحصیلی و محل انجام مصاحبه نشان داده شده است.

نمونه‌گیری موارد حاد آن‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که روابط مورد مطالعه در آن‌ها از وضوح خاصی برخوردار است مانند نظرات متخصصان یا آن‌هایی که برای عملکرد برنامه‌ی مورد ارزیابی اهمیت ویژه‌ای دارند (Flick, 2008) که در این تحقیق از استادان مدیریت ورزشی که آشنا به مباحث توسعه ورزشی (با توجه به زمینه تحقیقاتی آن‌ها) بودند مصاحبه به عمل آمد. نمونه‌گیری تا رسیدن به کفایت نظری ادامه داشت. به‌عبارتی معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری کفایت نظری^۱ بود. به عقیده Glasser & Strauss (1967) وقتی کفایت نظری حاصل شد هیچ نوع داده‌های اضافی نمی‌توان یافت که پژوهشگر به‌وسیله آن بتواند خواص یا ویژگی‌ها (مقوله‌ها) را تدوین کند. به موازاتی که داده‌های مشابه را جمع‌آوری می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است از این‌رو، تعداد مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ۱۴ نفر بود. برای تحلیل مصاحبه‌ها از رویکرد ویرایشی^۲؛ که یکی از رویکردهای تحلیل داده‌ها در مصاحبه‌ها است استفاده شد (Danaeifard, Alwani & Azar, 2010).

نمونه‌هایی از سؤال‌ها مصاحبه با صاحب‌نظران این بود که «عوامل اثرگذار بر توسعه پایدار ورزش کشور چیست؟»، «براساس تجارب‌تان چه راهکارهایی برای استمرار توسعه در ورزش پیشنهاد می‌کنید؟»، «پیامدهایی که از توسعه پایدار ورزش کشور حاصل می‌شود چیست؟» در آخر تمام مصاحبه‌ها با سؤال باز مانند «فکر می‌کنید مطلبی هست که نگفته باشید؟» خاتمه

1. Theoretical Saturation
2. Editing approach

جدول ۱- مشارکت‌کنندگان در تحقیق کیفی

ردیف	تعداد	موقعیت شغلی	مدرك	نوع تخصص	محل انجام مصاحبه
۱	۱	استاد دانشگاه	دکتری	مدیریت ورزشی	دانشگاه تربیت مدرس
۲	۱	استاد دانشگاه	دکتری	فعالیت اجرایی در ورزش	دانشگاه تربیت مدرس
۳	۱	استاد دانشگاه	دکتری	فعالیت اجرایی در ورزش	دانشگاه تربیت مدرس
۴	۱	استاد دانشگاه	دکتری	مدیریت ورزشی	پژوهشگاه تربیت‌بدنی
۵	۱	استاد دانشگاه	دکتری	مدیریت ورزشی	دانشگاه خوارزمی
۶	۱	استاد دانشگاه	دکتری	مدیریت ورزشی	دانشگاه پیام نور
۷	۱	نائب رئیس فدراسیون	کارشناسی	فعالیت اجرایی	فدراسیون کاراته
۸	۱	مری ورزشی	کاردانی	فعالیت اجرایی	فدراسیون کاراته
۹	۱	ورزشکار تیم ملی	کارشناسی	فعالیت ورزشی	فدراسیون کاراته
۱۰	۱	دبیر فدراسیون	کارشناسی	فعالیت اجرایی	فدراسیون نجات‌غریق
۱۱	۱	نائب رئیس فدراسیون	کارشناسی	فعالیت اجرایی	فدراسیون ژیمناستیک
۱۲	۱	مری سابق دومی‌دانی	کارشناسی	فعالیت اجرایی	فدراسیون دومی‌دانی
۱۳	۱	رئیس اداره ورزش	کارشناسی	فعالیت اجرایی	اداره ورزش و جوانان
۱۴	۱	نائب رئیس اتحادیه	-	فعالیت اجرایی	اتحادیه صنف تولیدکنندگان تولیدکنندگان لوازم ورزشی

موانع توسعه پایدار ورزش کشور بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- موانع توسعه پایدار ورزش

موانع حقوقی-قانونی	موانع مدیریتی	موانع محیطی	موانع رفتاری-نگرشی	موانع اقتصادی	موانع ساختاری	کد
*						عمیق نبودن نگاه مدیریت کلان به ورزش
					*	فقدان آگاهی از روند و اهداف توسعه ورزش
					*	فقدان ساختار صحیح در ورزش
			*			فقدان انگیزه بانوان برای تداوم فعالیت‌های ورزشی
					*	فقدان توجه به ورزش قهرمانی بانوان از سوی مسئولین
					*	عدم توجه به ورزش همگانی بانوان از سوی مسئولین
					*	فقدان آموزش و مربیان با کیفیت در بخش ورزش بانوان
			*			باورهای فرهنگی و نگرش نادرست در مورد ورزش بانوان

*	فقدان شناخت صحیح از ورزش بانوان در جامعه
*	کمی ساعات‌های درس تربیت‌بدنی در مدارس
*	فقدان توجه به ورزش همگانی از سوی مسئولین
*	فقدان هماهنگی میان آموزش و پرورش و سازمان ورزش
*	فقدان نظام ارزشیابی صحیح در نهادهای متولی ورزش
*	فقدان سند راهبردی به‌روز در ورزش
*	عدم اعتقاد به برنامه محوری در سازمان‌ها
*	عدم پذیرش و آمادگی به برنامه استراتژیک از طرف نهادهای متولی ورزش
*	در نظر نگرفتن واقعیت‌های اجرایی در محیط پیرامون
*	فقدان قانون محوری در اجرای سند راهبردی تدوین‌شده
*	فقدان تناسب امکانات با برنامه‌ریزی
*	متناسب نبودن علم مربیگری با استانداردهای بین‌المللی
*	منطبق نبودن آموزش‌ها/ به‌روز نبودن آموزش‌ها متناسب با علوم ورزشی
*	فقدان احساس نیاز به ورزش از سوی مردم
*	متناسب و همسو نبودن تحقیقات دانشگاهی با نیازها و مشکلات ورزش کشور
*	فقدان رابطه بین دانشگاهیان ورزشی با حوزه‌های علمیه در راستای شناختن ورزش به آنان
*	مداخلات سیاسی در ورزش
*	معیار ارزشیابی نادرست مدیران ورزش تنها در جهت به دست آوردن مدال
*	ضعف در جذب اسپانسر
*	توجه صرف صداوسیما به ورزش حرفه‌ای و تلقی ورزش به عنوان تنها مسابقه
*	فقدان هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های ورزشی
*	توسعه اندک و نامتوازن زیرساخت‌های ورزشی
*	بی‌برنامگی در امور ورزش کشور
*	فقدان ارائه آموزش‌های کاربردی به دانشجویان رشته تربیت‌بدنی
*	فقدان برنامه مشخص برای استعدادیابی و فعالیت‌های پایه و اساسی در ورزش

جدول ۳- راهبردهای توسعه پایدار ورزش

تدوین برنامه راهبردی به روز برای ورزش متناسب با امکانات و فرهنگ بومی کشور
اختصاص یارانه برای مشارکت در ورزش برای هر خانوار
بازبینی سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور و اعمال تغییرات متناسب با شرایط حال و آینده
تصویب مصوبات برنامه‌ای از طریق نهادهای قانونی و حقوقی مانند مجلس شورای اسلامی
متناسب ساختن ساختار ورزش با قوانین بین‌المللی
برطرف کردن خلأ قانونی توسط حقوق‌دانان
تقسیم صحیح کار ملی
داشتن برنامه قابل ارزیابی
به‌کارگیری افراد متخصص در بدنه نهادهای درگیر در ورزش
توسعه امکانات ورزشی
اولویت دادن به ورزش در بانوان
توسعه پارک‌ها و زیرساخت‌های ورزشی
برنامه‌ریزی ورزش‌های پایه از مدارس
تربیت نیروهای متخصص تربیت‌بدنی برای مدارس
تقویت عملکرد رسانه‌ای در راستای توسعه ورزش

تربیت‌بدنی در نهاد آموزش و پرورش، حجیم بودن بخش دولتی و انعطاف‌پذیری اندک در ساختار آن، کارآمدی و انعطاف‌پذیری اندک در ساختار سازمان‌ها و نهادهای ورزشی بود. نمونه‌های زیادی را می‌توان از جمله موانع ساختاری بیان کرد به عنوان مثال استادیوم‌های زیادی یا تعطیل است و یا پیر و فرسوده شده و هنوز افتتاح نشده است و این نشان از ساختارهای نادرست در ورزش است که لزوم استفاده بهینه از منابع و امکانات در ورزش را نشان می‌دهد. چنان‌که فقدان عدالت در نظام ورزش را می‌توان در ساختارهای اشاره کرد که در بخشی بسیار صورت گرفته و در مناطقی نیز کمبود این امکانات مشاهده می‌شود.

موانع دیگری از جمله کمبود انگیزه معلمان در آموزش و پرورش ریشه در ساختار این نهاد آموزشی دارد که پیامد چنین ساختاری، فرسودگی شغلی برای معلمان است. علاوه بر این، تداخل و همپوشی نهادهای مختلف در تصمیم‌گیری در امر ورزش، مانعی برای توسعه ورزش است، چنان‌که اگر تصمیمات متمرکز و اختیارات به فدراسیون‌ها تفویض شود، راه هموارتری برای توسعه ورزش فراهم می‌شود. ساختارهای نادرست برنامه‌ریزی که تنها به تدوین برنامه تمرکز داشته، خود نشان از ساختارها و در نظر نگرفتن واقعیت پیرامون ورزش است. در این رابطه، (Vail, 2007) رویکردهای سنتی به برنامه‌ریزی یعنی برنامه‌ریزی از بالا به پایین و عدم مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و نیز متناسب نبودن برنامه‌ها با نیازهای جامعه را از مشکلات توسعه پایدار ورزش دانست.

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، موانع توسعه پایدار براساس تحقیقات پراکنده‌ی انجام‌شده در گذشته و نظرات ارائه‌شده در ۴ بخش دسته‌بندی شد که شامل موانع ساختاری-مدیریتی، رفتاری-نگرشی و حقوقی-قانونی بود، به‌گونه‌ای که بیشترین میزان فراوانی مربوط به موانع ساختاری است. جدول ۳ راهبردهای ارائه‌شده توسط مشارکت-کنندگان را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

موانع توسعه پایدار ورزش کشور به موانع مدیریتی، ساختاری، محیطی، نگرشی-رفتاری و قانونی-حقوقی دسته‌بندی شد. موانع ساختاری، به ساختار نامناسب توسعه ورزش برمی‌گردد که مانع استمرار و نهادینه شدن ورزش و برنامه‌های ورزشی می‌شود. از جمله‌ی این موانع شامل فقدان ساختار صحیح در ورزش، فقدان آموزش و وجود مربیان با کیفیت در بخش ورزش بانوان، کمی ساعت‌های درس تربیت‌بدنی در مدارس، فقدان نظام ارزشیابی صحیح در نهادهای متولی ورزش، عدم پذیرش و آمادگی به برنامه استراتژیک از طرف نهادهای متولی ورزش، متناسب و همسو نبودن تحقیقات دانشگاهی با نیازها و مشکلات ورزش کشور، معیار ارزشیابی نادرست مدیران ورزش تنها در جهت به دست آوردن مدال، توسعه اندک و نامتوازن زیرساخت‌های ورزشی، تداخل و همپوشانی نهادهای مختلف در امر ورزش، فقدان توازن و عدالت در نظام ورزش، فقدان کیفیت نهادهای درگیر در ورزش، فقدان کارایی و انگیزه معلمان

هزینه و بهبود گردش مالی در ورزش است چنان‌که (Asgarian & Jafari (2009) کسان‌مارز، کسان‌مارز، کسان‌مارز، کسان‌مارز، کسان‌مارز (2007) & Marandi سرانه اندک ورزش در سبد خانوار را از مشکلات اقتصادی در ورزش اعلام کردند. در این رابطه Lucy Rose (2010) محرومیت‌های اقتصادی را منجر به تأخیر در تغییرات مثبت معنی‌دار برای توسعه ورزش عنوان کرد. (Yange (2011) از جمله مشکلات پایداری در بازی‌های المپیک را فقدان بودجه اختصاصی برای ارتقای پایداری و مشارکت برای پایداری بازی‌ها عنوان کرد.

موانع محیطی به عواملی اشاره دارد که از بیرون محیط ورزش بر توسعه پایدار ورزش تأثیر می‌گذارد اما تحت کنترل آن نمی‌باشد. موانع محیطی شامل فقدان تناسب امکانات با برنامه‌ریزی، مداخلات سیاسی در ورزش و فقدان همگام بودن با تغییرات و پیشرفت‌های روز دنیا بود. به عنوان مثال مداخلات سیاسی در راستای به‌دست آوردن مناسب مدیریتی در ورزش معضلی برای ورزش شده است چنان‌که توأم با تبانی در راستای رسیدن به شهرت است.

موانع نگرشی-رفتاری به نیروی انسانی و مجموعه فعل‌وانفعالات مربوط به آن در عرصه ورزش برمی‌گردد، به‌بیان‌دیگر، در یک‌طرف رفتار و ارتباطات رسمی یا هنجاری شامل آنچه باید باشد و در طرف دیگر رفتار و ارتباطات واقعی شامل آنچه هست را شامل می‌شود. این موانع عبارت بود از فقدان انگیزه بانوان برای تداوم فعالیت‌های ورزشی، باورهای فرهنگی و نگرش نادرست در مورد ورزش بانوان، عدم اعتقاد به برنامه‌محوری در سازمان‌ها، فقدان احساس نیاز به ورزش از سوی مردم، عدم وحدت و

موانع مدیریتی شامل عمیق نبودن نگاه مدیریتی کلان به ورزش، فقدان توجه به ورزش قهرمانی بانوان از سوی مسئولین، عدم توجه به ورزش همگانی بانوان از سوی مسئولین، فقدان توجه به ورزش همگانی از سوی مسئولین، فقدان هماهنگی میان آموزش و پرورش و سازمان ورزش، فقدان سند راهبردی به روز در ورزش، متناسب نبودن علم مربیگری با استانداردهای بین‌المللی، منطبق نبودن آموزش‌ها و به روز نبودن آموزش‌ها متناسب با علوم ورزشی، فقدان رابطه بین دانشگاهیان ورزشی با حوزه‌های علمی در راستای شناختن ورزش به آنان، ضعف در جذب اسپانسر، بی‌برنامگی در امور ورزش کشور، فقدان ارائه آموزش‌های کاربردی به دانشجویان رشته تربیت‌بدنی، فقدان برنامه مشخص برای استعدادیابی و فعالیت‌های پایه و اساسی در ورزش، سرمایه‌گذاری نامتوازن در فدراسیون‌های مختلف ورزشی، فقدان مدیریت صحیح سرمایه به علت مدیران ناشایسته، فقدان صحیح مصرف بودجه‌های مربوط به ورزش، اجرایی نشدن تحقیقات ورزشی کاربردی، متناسب نبودن آموزش‌ها با استانداردهای بین‌المللی تعریف‌شده، متناسب نبودن آموخته‌های فارغ‌التحصیلان ورزشی با نیازهای بازار کار و نادیده گرفتن گروه‌های مرجع مانند تحصیل‌کردگان و افراد شایسته بود. به‌طورکلی می‌توان گفت مشکلات مدیریتی که به مدیریت نهادهای ورزشی برمی‌گردد عمده‌ترین مشکلات بر سر راه توسعه ورزش باشد.

موانع اقتصادی شامل افزایش نابرابری درآمد و وضعیت اقتصادی بود. از سویی دیگر عدم گرایش خانوار به ورزش و سهم اندک ورزش از سبد خانوار از موانع مشارکت و در نهایت صرف

به دلیل رویکرد سنتی و عدم باور به برنامه‌ریزی و عمل به آن در محیط پر تغییر جهانی، با فراز و نشیب‌هایی گاه تند و گاه آرام روبرو می‌شود. شاید مهم‌ترین نکته در این موانع این باشد که اصولاً مدیریت ورزش کشور نمی‌داند که از ورزش چه می‌خواهند و چه کاری باید انجام دهند. همان‌گونه که در شاخص‌های توسعه پایدار اشاره شد، سرمایه‌سازمانی از عوامل حمایت و هدایت‌کننده ورزش در کشورهای درحال توسعه با ساختار متمرکز است، حال آنکه این نقش در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل ساختار عدم تمرکز در ورزش متفاوت است.

به‌طور کلی آنچه اهمیت دارد این است که توسعه پایدار مستلزم تغییر اساسی در سیاست‌گذاری‌ها است، به‌عبارتی توسعه مستلزم نظام اصیل کنترل‌ها و تعادل‌هاست تا از طریق همکاری برابر و سه‌جانبه دولت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مرتبط جامعه مدنی اصلاحاتی را اعمال نموده و نقایص را جبران نمایند؛ بنابراین هماهنگی بین نهادها در راستای رسیدن به اهداف ورزش و توسعه آن در جامعه و مشارکت مردم از طریق نهادهای غیررسمی و ارتباط با نهادهای رسمی مهم به نظر می‌رسد.

راهبردهای پیشنهادی برای رسیدن به فرایند توسعه پایدار از نظر متخصصان امر شامل این موارد بود؛

- ❖ تدوین برنامه راهبردی متناسب با تغییرات؛
- ❖ تصویب مصوبات برنامه‌ای از طریق نهادهای قانونی و حقوقی؛
- ❖ متناسب ساختن ساختار ورزش با قوانین بین‌المللی؛
- ❖ برطرف کردن خلأ قانونی در ورزش از طریق حقوق‌دانان؛

یکپارچگی متخصصان در حل مشکلات ورزشی و حاکم بودن روابط بر ضوابط در نهادهای دولتی، فقدان آگاهی متخصصان از روند توسعه ورزش، فقدان شناخت صحیح از ورزش بانوان در جامعه، توجه صرف صداوسیما به ورزش حرفه‌ای و تلقی ورزش به عنوان تنها مسابقه، فقدان ارزش نهادن به تربیت‌بدنی و زیرمجموعه‌های آن، فقدان تفکر و تئوری‌های بومی متناسب با نیازهای فرهنگی در حل مشکلات کشور از سوی اساتید و فقدان تبیین نظام ارزشی در ورزش بود. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که نگرش صحیح به ورزش، پایه و اساسی برای توسعه ورزش است، در نظر گرفتن ورزش به عنوان نیازهای اساسی از سوی جامعه خود می‌تواند مشارکت آنان در ورزش را در پی داشته باشد.

موانع قانونی-حقوقی به ضعف، فقدان یا نامناسب بودن قوانین مربوط به توسعه ورزش برمی‌گردد که شامل فقدان قانون محوری در اجرای سند راهبردی تدوین‌شده و کمبود قوانین موضوعی و حمایتی از ورزش بود. در واقع عوامل قانونی و فراهم بودن بسترهای قانونی و تسهیل‌کننده می‌تواند به عنوان عاملی حمایتی برای توسعه پایدار ورزش باشد که در این راستا نهادهایی مانند مجلس شورای اسلامی می‌تواند به عنوان حامی توسعه پایدار ورزش کشور، قوانینی را در این راستا به تصویب برساند.

بنابراین در بحث کلی می‌توان بیان داشت آنچه معرف سیستم ورزشی پایدار در جوامع است رویکرد نظام‌مند و توأم با برنامه‌ریزی است که ورزش را به چشم‌انداز و هدف خاص خود سوق می‌دهد و این شاید تفاوت در موضوع پایداری ورزش میان کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای درحال توسعه است که کشورهای درحال توسعه

تحقیقات آینده می‌تواند به ارزیابی پایداری در توسعه ورزش کشور بپردازد. نقش مسئولیت اجتماعی در نهادینه شدن ورزش موضوع دیگری است که می‌تواند در پژوهش‌های آینده د نظر گرفته شود. هم‌چنین یکی از ارکان توسعه پایدار ورزش، عدالت در توسعه پایدار ورزشی در تمامی مناطق است. از موضوعات پیشنهادی دیگر می‌تواند مطالعه عدالت در توزیع انواع سرمایه‌های مرتبط با ورزش به نسبت جمعیت باشد. ازسوی دیگر، بررسی نهادها و کیفیت نهادی به عنوان مؤلفه‌هایی که اثرگذار بر توسعه پایدار هستند می‌تواند مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد.

منابع

- Abrar-e- varzeshi (2006), believe me, scoring a goal against America also made me cry, http://www.aftabir.com/articles/view/sport/football/c6c1149065852_hamid_estili_p1.php [Persian].
- Asgarian, F., and Jafari, A. (2009). A Study of the International Exchanges of Iranian Sporting Goods in 1991 and 2001, *Olympic Quarterly*, Fifteenth Year, 10-4-97. [Persian].
- Casey, M. M., Payne, W. R., Eime, R. M., & Brown, S. J. (2009). Sustaining health promotion programs within sport and recreation organisations. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 12(1), 113-118.
- Danaeifard, H., Alwani, S.M., Azar, A. (2010). Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach. (Third Edition), Tehran: Saffar-Ishraqi. [Persian].

❖ به‌کارگیری افراد متخصص و باتجربه در مدیریت نهادهای درگیر در ورزش از جمله آموزش و پرورش؛

❖ ارزش‌گذاری و اولویت دادن به ورزش بانوان و تقویت عملکرد رسانه‌ای در ورزش؛

در واقع برنامه راهبردی در ورزش باید متناسب با تغییرات محیطی در ورزش بوده و بعد از کنترل و ارزیابی مجدداً مورد بازبینی قرار گیرد، چنان‌که بدون توجه به تغییرات در برنامه‌ریزی راهبردی در محیط پرتلاطم، منجر به شکست خواهد بود بنابراین باید برنامه‌ی راهبردی متناسب با تغییرات به‌پیش رود. چنان‌که تحقیق (Schulenkorf 2012) از جمله راهبردها تعهد، مشارکت و برنامه‌ریزی سازمان‌ها عنوان شده است. به‌طورکلی، این راهبردها باید در راستای توسعه ورزش همگانی، ورزش پرورشی، ورزش قهرمانی و در نهایت ورزش حرفه‌ای، مشارکت هر چه بیشتر جامعه در ورزش و مشارکت نهادهای اجتماعی در ورزش برای استفاده کردن از ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه باشد. هم‌چنین Jagemann (2004) فراهم کردن تسهیلات ورزشی و تجهیزات در بخش ورزش را از راهکاری توسعه ورزش عنوان کرد. Vail (2007)، مشارکت گروهی و انتقال کیفی برنامه‌های توسعه ورزش را به عنوان راه‌حلی برای استمرار توسعه برنامه‌های ورزشی عنوان کرد. (Skinner et al 2008)، از راهکارهای توسعه از طریق ورزش را تناسب برنامه‌ها با نیازهای مناطق و ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی مناطق و متناسب با نیازهای افراد دانست. هم‌چنین بیان داشت که باید کنترل و ارزیابی بخش جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ها باشد.

- Mallen, C. and C. Chard (2012). "What could be in Canadian sport facility environmental sustainability." *Sport Management Review* 15(2): 230-243.
- Parrish, B. D. and T. J. Foxon (2009). "Sustainability entrepreneurship and equitable transitions to a low-carbon economy." *Green Management International* 55: 47-62.
- Salome, L. R., van Bottenburg, M., & van den Heuvel, M. (2013). 'We are as green as possible': environmental responsibility in commercial artificial settings for lifestyle sports. *Leisure Studies*, 32(2), 173-190.
- Schulenkorf, N. (2012). "Sustainable community development through sport and events: A conceptual framework for Sport-for-Development projects." *Sport Management Review* 15(1): 1-12.
- Skinner, J., Zakus, D. H., & Cowell, J. (2008). Development through sport: Building social capital in disadvantaged communities. *Sport management review*, 11(3), 253-275.
- Third International Ministerial Conference on Physical Education and Sport in, Punta del Este.(1999). <http://www.unesco.org/education/educprog/mineps/english/index.htm> (12 sep 2013)
- Vail, S.E.(2007). "Community development and sport participation". *Journal of sport management* 21: 571-596.
- Winn, M. I. and M. Kirchgeorg (2005). "The siesta is over: a rude awakening from sustainability myopia in: sanjay, sharma, mark, starik (Eds), *Research in corporate sustainability "strategic capabilities and competitiveness* 3: 232-258.
- Flick , O. (2008). *An Introduction to Qualitative Research*, translated by Jalili, Hadi, Tehran: Ney Publishing. [Persian].
- Gilmore, A., Gallagher, D., & O'Dwyer. (2011). "Is Social Entrepreneurship an Untapped Marketing Resource? A Commentary on its Potential for Small Sports Clubs." *Journal of Small Business & Entrepreneurship* 24(1): 11-15.
- Girginov, V. (2008). *Management of sports development*, Routledge.
- Houlihan, B. and G. White (2003). *The Politics of sports development london and new york*, Routledge
- Houlihan, B. and M. Green (2011). *Routledge Handbook of Sports development*, Routledge.
- Jagemann, H. (2004). "Sports and environment ways towards achieving the sustainable development of sport." *the sport journal* 7(1).
- Kianmarz, Y., Muharramzadeh, M., Kianmarz, and, and Marandi, R. (2007). Investigating the economic situation of Iran's sports industry. *Proceedings of the Sixth International Conference on Physical Education and Sport Sciences*, Kish Island. [persian].
- Lindsey, I. (2008). "Conceptualizing sustainability in sports development." *Leisure Studies* 27(3): 279-294.
- Lucy Rose, W.,(2007). *Sport action zones: empowering local communities? The regional manifestation of a national initiative*, Durham Thesis, Durham University, <http://etheses.dur.ac.uk/2561>.
- Maguire and J. A. (2011). "Development through sport and the sports-industrial complex: the case for human development in sports and exercise sciences." *Sport in Society* 14(7/8): 937-949.

Yang, X. (2010). Managing relationships and developing sustainability: the case of VANCO and the Vancouver 2010 national partners. British Columbia. Vancouver, British Columbia. Doctor of Philosophy.



Sport Sustainable Development; Concepts, Barriers, and Proposals

Zeinab Mondalizadeh.^{1*}, Mohammad Ehsani.², Hashem Kozechian.³, Habib Honari.⁴

Received: Mar 29, 2017

Accepted: Dec 20, 2017

Abstract

Objective: Sustainability in sport development or sport sustainability development is a considered concept attracting attention in today's research. Sustainability is a main theme in the sport development. The purpose of this paper is to study concepts of sport sustainability development, its barriers and offer solutions to achieve the sport sustainability development.

Methodology: The research method was descriptive and the research strategy was qualitative. In this regard, we used library studies and interviews with sport management professors, sport managers, athletes and sport coaches. Participants were 14 persons. The sampling strategy was acute one and, in this regard, we used content analysis of interviews.

Results: The result showed that sustainable development in sport would be achieved through social participation with social, economic and institutional dimensions. The Other research findings were the classification of barriers included managerial, structural, environmental, behavioral and legal one. Sustainable development strategies argued by experts was including development of strategic plan appropriate to environmental changes, ratification of the program through law and legal bodies such as Islamic consultative assembly, fit out of sport structure with international law and removing legal vacuum in sport through lawyers.

Conclusion: Therefore, the attention of managers, politicians and all institutions can provide backgrounds to development of sustainability goals in sport and to provide economic and social effects in society and institutions.

Keywords: sustainable development, sport, barriers.

1. Assistant Professor of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Arak University, Arak, Iran. 2 & 3. Professor of Sport Management, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares Universtiy, Tehran, Iran. 4. Associate Professor of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

* Corresponding author's e-mail address: z-mondalizade@araku.ac.ir